

درس هنر، تربیت معلم هنر و معلم هنر

مجتبی بابائیان

مدیر گروه هنر مرکز آموزش عالی شهید شرافت تهران

معلم ریاضی و... ساعت هنر به آن‌ها داده می‌شود) از طرف متولیان چندان جدی گرفته نمی‌شد و کافی بود تغییری ناخوشایند در ساعات هفتگی این درس صورت گیرد تا همه چیز به هم بریزد و همه بافته‌ها را پنبه کند. متأسفانه این اتفاق افتاد و ۱۸۰ درجه برخلاف سیاست گسترش رشته «آموزش هنر» در مراکز تربیت معلم دو استان دیگر به جز تهران و پذیرش دانشجوی بیشتر، در کمال ناهماهنگی و در حرکتی غیرکارشناسی، «شورای مرکزی برنامه‌ریزی آموزشی» وزارت خانه ساعات درس هنر در پایه‌های دوم و سوم راهنمایی را از دو ساعت به یک ساعت تقلیل داد!

این تغییر نامیمون در ساعات درسی هنر آسیب‌های فراوانی بر بیکر روند آموزش هنر در مدارس راهنمایی وارد کرد که مواردی از آن‌ها چنین‌اند:

۱. تقلیل ساعات درس هنر در مدارس سه کلاسه، از شش ساعت به چهار ساعت که نتیجه آن پرنشیدن برنامه یک روز موظف معلم متخصص و دادن درس به معلم غیرمتخصص و در نهایت، محروم شدن بعضی دانش‌آموزان از شناسایی رشته مورد علاقه خود است.

۲. عدم هماهنگی بین خروجی‌های تربیت معلم رشته هنر و تقلیل ساعت هنر در مدارس راهنمایی و نهایتاً مشکل

کشور، یک مرکز پسرانه و یک مرکز دخترانه در اصفهان، و یک مرکز پسرانه و یک مرکز دخترانه در مشهد نیز دانشجوی هنر پذیرش کردند و تعداد مراکز تأمین‌کننده معلم هنر مدارس در سطح کشور در مجموع به شش مرکز افزایش یافت.

دوره راهنمایی تحصیلی در مدارس کشور با داشتن سه پایه تحصیلی و حداقل در هر پایه یک کلاس، می‌توانست با شش ساعت درس هنر در یک روز از وجود معلم متخصص مربوطه بهره‌مند شود. مدارسی که جمعیت دانش‌آموزی بیشتری داشتند، حتی می‌توانستند تمام ساعات موظف یک معلم هنر را پر کنند و یا نهایتاً تمام ساعات موظف یک معلم هنر در دو مدرسه پر می‌شد.

به هر صورت، این روند موجب آن شد که درس هنر با داشتن کتاب مجزا برای هر پایه، معلم تخصصی و همچنین گروه درسی، تا حدی جایگاه خود را پیدا کند و از طرف مسئولان آموزش و پرورش و مدیران مدارس تا اندازه‌ای مورد توجه و مدنظر قرار گیرد.

از آنجا که در نظام آموزش ارتباط تنگاتنگی بین ساعات اختصاص یافته به هر درس و جدی گرفتن آن از طرف متولیان در برنامه‌ریزی آموزشی وجود دارد، مخصوصاً درس هنر (که متأسفانه در بعضی مدارس برای رفع خستگی

تأسیس مراکز تربیت معلم با این هدف صورت گرفت که وزارت آموزش و پرورش بتواند کادر آموزشی مورد نیاز دوره‌های گوناگون تحصیلی را در دو زمینه «آموزش» و «پرورش» تربیت کند و روند تربیتی و آموزشی فراگیرندگان را در یک مسیری سالم و پویا قرار دهد که این از اهداف عالی آموزش و پرورش است.

برای تأمین و تربیت کادر مورد نظر به نسبت ساعات پیش‌بینی شده برای موضوعات درسی گوناگون در دوره‌های تحصیلی نظام آموزش کشور، از میان داوطلبان کنکور سراسری با اجرای مراحل گزینش، هر ساله تعداد کثیری دانشجو جذب مراکز تربیت معلم شدند و بعد از اتمام دوره دو ساله و اخذ فوق‌دیپلم و تأیید صلاحیت معلمی به استخدام آموزش و پرورش در آمدند و در مدارس شروع به کار کردند.

از آنجا که درس هنر هم در هفته دو ساعت در برنامه آموزشی دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی گنجانده شده بود، لذا برای تأمین معلمان متخصص این درس در سطح کشور، از سال ۱۳۶۰ رشته «آموزش هنر» به‌طور متمرکز در مراکز تربیت معلم پسرانه و دخترانه در تهران راه‌اندازی شد.

بعد از هشت سال به دلیل نیاز بیشتر به معلم هنر و توسعه مراکز آموزش هنر در

قطع ارتباط منطقی هر کدام از حلقه‌های درس هنر، تربیت معلم هنر و معلم هنر در روند اجرای سند تحول بنیادین ضربه جبران ناپذیری به نظام آموزش کشور وارد می‌سازد



دانشجو داشت، جز رشته هنر! به این ترتیب، مراکزی که در دانشگاه فرهنگیان پذیرای دانشجویان رشته ارتباط تصویری بودند و خود را تجهیز کرده بودند که پذیرای ورودی‌های جدید باشند، یک‌باره با مشکل جدیدی مواجه شدند و همه برنامه‌هایشان ایتر ماند. این مراکز تازه با توجه به تنوع درسی هنر در دوره‌های تحصیلی جدید، پس از اجرای سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، خواهان راه‌اندازی رشته جدیدی با عنوان «آموزش هنر» به جای رشته «هنرهای تجسمی» و با سرفصل‌های جدید شدند که سایر رشته‌های هنری اعم از نمایشی، موسیقی، داستان، شعر و... را نیز پوشش دهد.

قطع ارتباط منطقی هر کدام از حلقه‌های درس هنر، تربیت معلم هنر و معلم هنر در روند اجرای سند تحول بنیادین ضربه جبران ناپذیری به نظام آموزش کشور وارد می‌سازد. بنابراین لازم است با تشکیل جلسات هم‌اندیشی و آسیب‌شناسی با حضور برنامه‌ریزان، مدیران کل آموزش و پرورش استان‌ها و مسئولان دانشگاه فرهنگیان، برآوردی درست از آموزش درس هنر در کشور ارائه گردد تا بستری مناسب برای نیل به اهداف فراهم آید و اشتباهات گذشته تکرار نشود؛ ان‌شاءالله.

اکنون با اجرای برنامه تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، که خوش‌بختانه در اهداف آموزشی آن بر آموزش خلاقیت محور و هنر محور تأکید شده و درس هنر با ساعت و تنوع بیشتر مدنظر قرار گرفته است، می‌توان این نوید را به دلسوزان نظام آموزشی و معلمان هنر داد که هنر به‌صورت جدی جایگاه خود را در نظام آموزشی کشور پیدا خواهد کرد و زمینه‌ساز شکوفایی و پرورش خلاقیت هر چه بیشتر فراگیرندگان و آینده‌سازان کشور خواهد شد.

با ساماندهی مراکز تربیت معلم و شکل‌گیری آن‌ها در قالب «دانشگاه فرهنگیان» در سال ۱۳۹۱، همچنین توسعه رشته هنر در این فرایند و جذب دانشجو در رشته‌های پیوسته کارشناسی «ارتباط تصویری» و ناپیوسته «آموزش هنرهای تجسمی» امیدهای تازه‌ای در دل متولیان دلسوز آموزش و پرورش به‌وجود آمد و همه از اینکه درس هنر، تربیت معلم هنر و معلم هنر دیگر در این راه همواره رسالت خود را انجام خواهند داد، خوشحال شدند ولی این روند در سال ۱۳۹۲ در حرکتی ناباورانه متوقف شد. زیرا حلقه دوم این زنجیره، یعنی «تربیت معلم هنر» مغفول ماند و در دفترچه کنکور، دانشگاه فرهنگیان در همه رشته‌های سال قبل پذیرش

تقسیم معلمان هنر در مدارس.
 ۳. مد نظر قرار نگرفتن درس هنر و معلم هنر به‌صورت جدی در برنامه‌ریزی مدیران.
 ۴. کارآمد نبودن درس هنر در پایه‌های دوم و سوم راهنمایی و ایتر ماندن آموزش‌های معلم.
 ۵. جدی تلقی نشدن موضوع خلاقیت با توجه به ظرفیت این درس در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان.
 ۶. سر خوردگی معلمان هنر و به‌ناچار، پرداختن آن‌ها به آموزش دیگر درس‌ها برای پرشدن برنامه هفتگی‌شان.
 ۷. محروم شدن اکثر مدارس راهنمایی روستایی از معلم هنر به دلیل سه پایه (سه کلاس) بودن و کم شدن ساعت هنر.
 ۸. خستگی بیش از حد معلمان هنر در مدارس پرجمعیت به دلیل تعدد کلاس‌های یک ساعته.
 ۹. زیاد بودن حجم کتاب‌های هنر دوم و سوم راهنمایی در مقایسه با ساعت اختصاص یافته.
 ۱۰. اعلام نیاز نکردن برای تأمین معلم هنر از مراکز تربیت معلم توسط ادارات و مناطق آموزش و پرورش و در نتیجه عدم جذب دانشجوی هنر.
 آنچه گفته شد خلاصه‌ای بود از آنچه که بر درس هنر، تربیت معلم هنر و معلم هنر در این سه دهه گذشته است اما